۲۰۷	هُوَ ۱۲۱ گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)
سلسله درسهای عرفانی	

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

در عوالم درویشی، همه‌ی فقرا، همه‌ی درویش‌ها، جزء این دریای عظمت الهی هستند، ان‌شاءالله می‌گویم برای اینکه خداوند ان‌شاءالله ما را در این دریا نگه‌دارد، پاک نگه‌دارد ان‌شاءالله.

این مزیّت فقر. همه هم یکنواختند کما اینکه دیده‌اید حضرت صالح‌علیشاه کتابی به نام *پندصالح* مرقوم فرمودند که در واقع می‌شود گفت به صورت یک بیانیه بود. بسیار کتاب جالبی است که از لحاظ حجم، کوچک و از لحاظ معنا، قوی می‌باشد.

در آن کتاب همه جا می‌فرمایند: «برادران من». درجه‌ی اوّل البتّه خطاب به فقرا است، من در مقدّمه‌ی چاپ اخیرش نوشتم که به ما می‌فهماند این خطاب به کیست.

ببینید! ایشان به همه فرموده‌اند: «برادران من». امّا هیچیک از این برادران به خودش اجازه نمی‌داد که به ایشان بگوید: «برادر من» یعنی وقتی خطاب و درجه‌بندی باشد این یک درجه‌ای دارد که آن درجه اقتضاء می‌کند همه محترمانه با او برخورد کنند. در واقع، ایشان بدون اینکه بگویند تعلیمی است اینجا اینطوری به فقرا تعلیم می‌دادند. مواظب باشید درست است همه برادریم ولی آن درجه‌بندی که بطور ضروری در ذهن ما ایجاد می‌شود و خیلی اوقات به‌اصطلاح بیان هم می‌شود، آن سر جای خودش است و آن تفاوت هست.

مثلاً کسی می‌خواهد در اردبیل، در آن سر ایران، زاهدان، در گرما، درویش بشود، دسترسی ندارد به اینکه بیاید. نمی‌تواند بیاید بیعت کند از طرفی دلش می‌خواهد بیعت کند. اینجا بر عهده‌ی من است، بر وظیفه‌ی من است.

فرض کنید خیلی‌ها می‌خواهند بروند مهاجرت کنند در فرانسه بمانند، انگلستان بمانند از اینجا به دوستشان کاغذی می‌فرستند تقاضا می‌کنند که یک منزلی برای من آنجا بخر. به همه که نمی‌گویند والّا اصلاً محتاج به ظاهراً وکالت نیست. وقتی شما می‌خواهید کاری کنید نگاه می‌کنید در آن منطقه، کدامیک از اهل آن منطقه با شما نزدیک‌تر است، به او وکالت می‌دهید، اختیار می‌دهید که از طرف شما منزلی بخرد. یعنی چه؟ یعنی بیعتی بکند. بیعی انجام بدهد. در قوانینی که طبیعتِ بشر آفریده، برای خودش دارد و خداوند تأیید فرموده، اینجا تمام مسئولیت‌ها و تعهّدات به عهده‌ی شخصِ من است، به عهده‌ی من است که وکالت دادم. مشایخ هم همینطور هستند. همانطوری که

وکیلی که تعیین می‌کنید منزلی بخرد، نمی‌تواند بعد از آنکه منزل خریده شد با شما چانه بزند و بگوید نخیر چنین و چنان است و من زحمت کشیدم که این قیمت شده. اگر کسی چنین خیالی کند اشتباه کرده است. رسم هم همین است (در همه جای دنیا و از قدیم) که اگر کسی ادّعایی داشت علیه آن اصلی، موکل است نه وکیل یعنی در همین مورد، بعد بخواهد دبه درآورد یا بخواهد ادّعایی کند، علیه آن وکیل دعوا نمی‌کند، علیه من دعوا می‌کند. همه جا این خیلی مرسوم است.

بنابراین، وکیلی هم که من تعیین کنم، وکیل آن کار خاصّی است که به او گفتم برو این کار را برای من انجام بده. البتّه درست است که وکیل است از طرف یکی دیگر کار می‌کند ولی شأنی دارد به این معنی که معلوم می‌شود مورد اعتماد بوده که این وکالت را به او دادم.

همین ترتیبات در مورد مشایخ هست. کما اینکه بعضی از مشایخ به مناسبتی از خدمات معاف شدند مثلاً مرحوم حاج شیخ عباسعلی قزوینی را که خود آقای نورعلیشاه اجازه صادر کردند، بعد حضرت صالح‌علیشاه ایشان را از آن خدمات معاف داشتند بیرونش نکردند، برای اینکه بیعت که می‌گیرند، برای چه کسی بیعت می‌گیرند؟ بیعت یعنی تعهّد. تعهّد این است که آنچه آن موارد است، باید آن موارد را انجام بدهی، من از طرف خداوند نه خودم، من خودم هم ممکن است خدای‌نکرده خداوند یک جرقه‌ای یک شعله‌ای از جهنّم بزند داخل.... من از طرف خداوند تعهّد می‌کنم که اگر این وظایف را انجام دادی، جای تو نزد من است. او تعهّد می‌کند من تعهّد نمی‌کنم که بهشت بدهند، بدهم به شما. اختیارش را گذاشته خداوند فعلاً دست من، بعد که طبق آن قواعد انجام بشود، بدهم به هر کس که اجرا نمود. درست است که ظاهراً در اختیار من است ولی معناً با خود من در اختیار یک مقام عالی‌تری است.

همینطور مشایخ هم با خودشان و تمام حرف‌هایشان در اختیار من است. بنابراین، مشایخ وکیل هستند، خیلی هم محترم البتّه. سِمَت آنها به عنوان نماینده است، مستقلاً اختیاری ندارند.

این است که در حیثیات مذکور هم بعضی‌ها درجه‌ی مشایخ را یک درجه‌ی پایین‌تر قرار می‌دهند. اصلاً درجه نیست، در اختیار قطب گذاشته شده است. همینطور مجاز نماز و مجاز به جهت دیگری باشند اینها در اختیار خداوند هستند یعنی در عالم ظاهر ما، در اختیار قطب هستند، درجاتشان. این است که درجه‌بندی را رعایت کنید. کما اینکه من خیلی دیدم ما درجات نظامی را نمی‌فهمیم، تشخیص نمی‌دهیم. مثلاً یکی به دیگری سلام می‌کند می‌گوییم: سلام عرض می‌کنم جناب ستوان، جناب سروان. او جواب سلامش را می‌دهد ولی بعد می‌گوید نه، اشتباه نکن، من سرهنگ هستم. از این به بعد باید بگویی جناب سرهنگ یا اگر یک گروهبانِ عادیِ نظامی یا سروان یا ستوان عادیِ نظامی باشد اگر بگویید جناب سرهنگ، بدش می‌آید، می‌گوید مرا مسخره می‌کند، من

سرهنگ نیستم، برای من اگر هم می‌گویی بگو جناب ستوان، سرکار بگو. این است که توجّه داشته باشید هر کسی و هر مقامی در ذهنتان جای خاصّی دارد، آنجا خاص است، اسم خاصّی دارد. مواظب باشید اشتباه نکنید. البتّه این بیشتر به عهده‌ی خود مشایخ هم هست که درجه‌شان را بفرمایند.

مثلاً یکی از مشایخ، مرحوم حاج شیخ عبدالله حائری (نه آقای شمس‌الدین حائری) ایشان مقدّم بر همه‌ی مشایخ بودند و اختیار داشتند یک اختیار اضافه از شیخی داشتند و آن اختیار حلّ و فصل مشکلات آقایان بود. دیدم مثلاً بعضی‌ها نامه می‌نویسند: آقاجون حائری اینطور گفتند، آقاجون اوّلاً غلط است به‌علاوه آقای حائری به جای خود ولی حضرت آقا و آقاجون یک اصطلاح خاصّی است، برای هر کسی اصطلاح خودش را بگویید. مثل حضرت آقا که شما می‌گویید. حالا می‌بینید در عرفِ حالا به خیلی‌ها می‌گویند حضرت آقا. آیا این حضرت آقاست؟ در نظر شما تا بگویند حضرت آقا، فوری قطب خودتان در ذهنتان مجسم می‌شود.

رعایت و توجّه به اینکه (خود آقایان هم همینطور) مشایخ پایین‌تر از قطب هستند، بعد از مشایخ، مجازین نماز هستند، مجازین نماز یعنی آن مواردی که برای پیش‌نمازی شرط شده در این تشخیص داده شده که هست، مجازین نماز هم باز درجه‌ی پایین‌تر از مشایخ دارند.

ان‌شاءالله خداوند همه‌مان را به عالی درجاتی که خودش می‌داند ببرد. ما را نزد خودش ببرد، هر طور می‌خواهد ببرد، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۶/۵/۲۱)

*****

امروز بیشتر این شعر به خاطرم می‌آمد و می‌خواندم:

الهی به خاصان میخانه‌ات به عقل آفرینان دیوانه‌ات

آن دیوانگی و جنونی که ما می‌گوییم در عالم شریعت و طریقت، جنون و به اصطلاح حالتی است که مثلاً بهلول زمان حضرت جعفرصادق داشت.

عقل آفرینان دیوانه‌ات، دیوانه‌ی او بودند ولی عقل‌ها را آفریدند. در دیگران، درجات پایین‌تر، عقل را آفریدند، با عقل بودند تا رسیدند، گفتند:

آزمودم عقل دوراندیش را بعد از این دیوانه سازم خویش را

ولی اشتباه نکنید به تصوّر اینکه به تصنّع آن حالت بر خودمان رها سازیم نه! آن حالتی است که در واقع محو شده، برابر با واقعیت و حقیقت و سپس به این عوالم آمده. در آن عوالم غرق شده، همه‌ی گوشه‌ها را فهمیده است.

زمان حضرت صادق علیه‌السلام دو نفر از صحابه‌ی خاصّشان (اسامی یادم می‌رود) دو

بزرگوار بودند که خلیفه‌ی وقت، نامه نوشت و از آنها خواست و دعوت کرد که بیایند سِمَت قضایی را در بغداد داشته باشند ولی آنها بی‌اجازه‌ی امام، نه جواب می‌دادند و نه رد می‌کردند. از امام تکلیفشان را پرسیدند، به هرکدام جوابی داد. دو نفر را صریحاً جواب رد داد، که آنها جواب رد دادند ولی مجبور شدند از آن شهر مهاجرت کنند و به شهر دیگری بروند.

یکی از آنها قبول کرد یعنی جهتش هم این بود که در پاسخ، حضرت جعفرصادق یک «ج» درشت نوشتند. الف، ب، پ، ت، ث، تا به ج رسید. از این عبارت هرکدام یک استنباطی کردند. بعضی‌ها «ج» گفتند یعنی جلای وطن. مهاجرت کردند، از شهر در رفتند.

یکی از آنها گفت که «ج» یعنی جلال یعنی جلال و ابهت که قضاوت دارد و حکم خلیفه دارد، قبول کن. آن مقام را قبول کرد ولی کسی که بعداً به بهلول مشهور شد، خودش را به جنون زد که همه فردا گفتند این آقا که دیوانه شده، از آن دعوت منصرف شدند و او پسرعموی خلیفه هم بود بسیار رویش آزاد بود. هرکدام مصلحتی داشتند.

حالا جنون، جنونی که ما گفتیم، این جنون است. علامتش عقل آفریدن است. که بهلول تمام عقل‌های واقعی دوران خودش را که در زمان حضرت صادق بود، هدایت می‌کرد.

خدا به ما یا عقل دوراندیش بدهد یا این جنونی که انسان را از خود بی‌خود می‌کند. ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۶/۵/۲۰، جلسه برادران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پند صالح/ شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امر به معروف و نهی از منکر، مصافحه، عشق، حجاب، اتحاد و همدلی و خطبه سلسلة الاولیاء)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح وتفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت‌وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.
جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.